www.takbook.com

مطالعات روان شناسی و علوم تربیتی

ISSN: ۴۴۷۷-۲۴۷۶

دوره ۲/ تابستان ۱۳۹۵

http://www.irijournals.com

طلاق و تأثیر آن بر دانش‌آموزان

پیمان آزاد [۱]

[۱] دانشجوی رشته دبیری علوم اجتماعی دانشگاه فرهنگیان ایلام

چکیده

نهاد خانواده در دنیای کنونی به طور گسترده ای طلاق را تجربه می‌کند. تغییرات خانواده و افزایش نرخ طلاق در جامعه‌ی ایران نیز نگرانی‌های اجتماعی را به وجود آورده است. مسئله‌ی طلاق، به ویژه به جهت پیامدهای نظیر افسردگی، پرخاشگری، افت تحصیلی، بزهکاری، رشد اجتماعی که برای فرزندان طلاق در پی دارد و آینده‌ی آنان را متأثر می‌سازد، بسیار حائز اهمیت است. پژوهش حاضر با هدف بررسی اجتماعی پیامدهای طلاق بر دانش‌آموزان انجام شده است. تمرکز مطالعه بر ۵ متغیر مختلف که می‌توان به افسردگی، افت تحصیلی، پرخاشگری، بزهکاری، رشد اجتماعی نام برد بوده است. مطالعه موردی ما بر دانش‌آموزان استان فارس بوده است. اطلاعات این مقاله از طریق پرسشنامه‌ای که بین ۲۰۰ نفر از فرزندان محصل طلاق (دختر – پسر) در مقطع متوسطه دوم پاسخ داده شده است و همچنین اساتید بزرگوار و برداشت‌های شخصی تقریر شده است.

ما با بررسی پرسشنامه های پر شده توسط محصلین و همچنین تحقیق هایی که در گذشته صورت گرفته است توانستیم به این نتایج برسیم که طلاق در ۵ بعد ذکر شده اثر مستقیمی بر دانش آموزان می گذارد .

تاثیر متغیر ها بر طور نسبی بر پسر و دختر متفاوت است. مثلا در متغیر های عملی مانند پرخاشگری پسر تاثیر طلاق بر پسر زیاد تر از دختر بود ولی در متغیر های احساسی مانند افسردگی تاثیر بر دخترزیاد تر بوده است.

بررسی شرایط علی طلاق نشان می‌دهد که طلاق پدیده‌ای تک عاملی نیست، بلکه مجموعه‌ای از عوامل در پیوند با هم منجر به طلاق می‌شوند. میزان تأثیر هر عامل در طلاق بر عامل دیگر بیشتر است و نکته دیگر این که تعداد عوامل مهم نیست بلکه به شدت هر عامل بستگی دارد.

نتایج تحقیق به ما نشان داد که طلاق علاوه بر اینکه بر زوجین تاثیر بسزایی دارد و آینده آنها را مورد تاثیر قرار خواهد داد ، بر رفتار و عملکرد فرزندان تاثیر می گذارد و فشار آن بر جنس دختر بیشتر از جنس پسر می باشد.لذا حساس است که مسئولین

www.takbook.com

محترم توجه بیشتری به این معظل نشان دهند و تمام دستگاه های مرتبط باالاخص آموزش و پرورش به عنوان مهم ترین دستگاه تربیت فرزندان و انتقال فرهنگ ،تمام تلاش خود را برای روشن کردن ذهن خانواده ها از این معظل انجام دهند.
مطمئن هستیم که با مطالعه این مقاله به عمق فاجعه طلاق و تاثیر آن بر فرزندان طلاق پی خواهید برد. تمام سعی ما بر این بوده است که با امار و توضیحی روشن و واضح تاثیر هر متغیر را توضیح و تبیین نماییم و مشخص نماییم که هر طلاقی ، مشکلات آن فقط دامنگیر زوجین نمی باشد بلکه طلاق دارای پس لرزه ای هست به مراتب ویرانگر تر از خود زلزله اصلی که متاسفانه از دید جامعه ما مخفی مانده و به طور غیر علنی در جامعه ما در حال رواج هست و فرزندان طلاق فقط از دید ترحم دیده می شوند و افت تحصیلی و پرخاشگری و منزوی شدن و تحقیری که باعث پایین امدن شان اجتماعی فرزندان می شود و در اینده آنها تاثیر میگذارد مخصوصا در جامعه ایرانی که خانواده رکن اساسی بسیاری از فعالیت ها می باشد(به طور مثال در انتخاب عروس برای فرزند ، دختری که از خانواده طلاق است شانس کمتری برای ازدواج دارد.)

واژه‌های کلیدی: طلاق – افسردگی کودکان – تأثیر طلاق بر افسردگی کودکان –تأثیر طلاق بر تحصیل کودکان

www.takbook.com

۱- مقدمه

خانواده نخستین و بنیادی ترین نهادی است که برای پاسخگویی به نیازهای فطری بشر، به ویژه نیاز به زندگی اجتماعی شکل گرفته است و نزدیکترین و عمیق ترین تعامل بشر در بستر خانواده تحقق می‌یابد؛ به گونهای که هیچ یک از انسان‌ها خود را بی نیاز از عضویت در این نهاد اولیه ندانسته‌اند.

صاحب نظران معتقدند که خانواده از نخستین نظام‌های نهادی عمومی و جهانی است که برای رفع نیازمندی‌های حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه ضرورت تام دارد.[۱]روابط مناسب در جامعه بر اساس روابط مناسب در خانواده شکل می‌گیرد و هراندازه روابط درون خانواده مناسب تر باشد، خانواده و به تبع آن جامعه از ثبات و استحام بیشتری برخوردار است.[۲]

هیچ جامعه‌ای بدون داشتن خانواده‌ای سالم نمی‌تواند ادّعای سلامت کند و هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی بی‌تأثیر از خانواده پدید نیامده‌اند. کیفیت روابط درون خانواده نقش بسزایی در شکل گیری نگرش‌ها و بازخوردهای اجتماعی اعضای خانواده داردو پایه و اساس روابط درون خانواده بر محور روابط زن و شوهر استوار است.[۳]

یکی از مشکلاتی که از درون خانواده به پا می‌خیزد و علت آن هم مشکل در ارتباط سالم و صحیح بین زن و شوهر است طلاق می‌باشد. این مشکل (طلاق) می‌تواند در جامعه نیز شیوع وگسترش یابد و ارتباط انسانی را مختل نماید. وقتی بنیان خانواده دچار تزلزل شود، بنیان‌های اخلاقی و اجتماعی کل نظام اجتماعی متزلزل شده و جامعه به سوی مشکلات گوناگون سوق داده می‌شود.

خانواده یک نهاد است که اعضای پدید آورنده آن بوسیله رشته زناشوئی، خون، یا فرزندخواندگی با یکدیگر پیوند می‌یابند ودر یک مجموع با هدفی مشترک ودر زیر سقفی با یکدیگر زندگی می‌کنند[۴]ویا در تعریفی دیگر خانواده گروهی از افراد است که با ارتباطات خویشاوندی مستقیماً به هم پیوند خورده‌اند، و اعضای بزرگسال آن مسئولیت مراقبت از کودکان را بر عهده دارند.[۵]

افراد از طریق ازدواج به هم پیوند می‌خورند. ازدواج به عنوان پیوند جنسیِ از نظر اجتماعی به رسمیت شناخته شده و پسندیده بین دو فرد بزرگسال تعریف می‌شود.[۶]

واقعیت این است که خانواده زمینه ساز بسیاری از انحرافات و یا شرافتمندی‌هاست وبه طور قطع می‌توان گفت که وضع متزلزل جهان امروز تا حدود زیادی ناشی از وضع نابسامان خانواده‌هاست. واگر بنا باشد دنیای نامتعادل و اوضاع بحرانی امروز بشر تا حدودی سروسامان یابد ناگریز باید تجدید نظری در وضع خانواده بعمل آید واین نهاد مهم اجتماعی ارزش و قداست الهی خود را بازیابد.

طرز فکر ما بر اساس بینش اسلامی آن است که کودک با زمینه فطری پاک و الهی به دنیا می‌آید. فطرت او خدا آشنا، امین و صادق است. اما اینکه چه چیزی باعث می‌شود کودکی با چنین فطرتی از انحراف و آلودگی سر در آورد باید گفت که عوامل بسیاری دخالت دارند که در راس و مهم‌ترین آن‌ها خانواده از هم گسیخته (طلاق گرفته) می‌باشد.[۷]

شرایط نابسامان خانواده طلاق گرفته، جهل و غفلت والدین و سهل انگاری آن‌ها و... از اموری هستند که زمینه ساز تأثیرات زیادی بر فرزندان خود هستند که ما در اینجا بر این۵ بعد (پرخاشگری – افسردگی – افت تحصیلی – رشد اجتماعی – بزهکاری) تحقیق می‌کنیم.

---

۱ – شرفی،۱۳۸۳،ص ۳۷

۲ – اعزازی،۱۳۸۷، ص ۱۲

۳ – افروز، ۱۳۸۹، ص ۲

۴ – دکتر علی قائمی، ۱۳۸۱، ص ۳۴

۵ – گیدنز، ۱۳۹۰، ص ۴۲۴

۶ – گیدنز، ۱۳۹۰، ص ۴۲۴

۷ – دکتر علی قائمی، ۱۳۸۱، ص ۱۷

www.takbook.com

به هنگامی که آدمی آینده چنین فرزاندانی را در نظر مجسم می‌کند، بی اختیار از خود خواهد پرسید که: فرجام این طفل چه خواهد شد؟ درد نابسامانی او را چه کسی درمان خواهد کرد؟ عقده‌های ناشی از نابسامانی را چه کسی خواهد گشود؟ درد و مصیبت او را چه کسی تسلیت خواهد داد؟

ما در اینجا به بحث و بررسی وضع فرزندانی پرداخته‌ایم که در خانواده طلاق گرفته رشد کرده‌اند و می‌خواهیم دورنمای حیات این افراد را در عرصه حیات اجتماعی بر اساس آن ۵ بعد ذکر شده و براساس تحقیقات و آمار و اعلام نظر صاحب نظران ارائه دهیم و سعی خواهیم کرد مطالب را به گونه‌ای عرضه نماییم که قابل درک برای همگان باشد.

مقصد ما در این بررسی آن است که پدران و مادران محترم جامعه ما بیش از پیش بیدار و هشیار شوند و به این نکته ایمان بیاورند که هرگام و حرکات آن‌ها در عرصه حیات خانواده برای فرزندان درس آموز و برای مسیر زندگی شان راه ساز و زمینه‌ساز است. بدین سان پیش از وارد شدن در این مسیر (طلاق) بکوشند عاقبت این کار خود را لااقل برای فرزندان خود در نظر بگیرند و جنبه‌های مثبت و منفی آن را در نظر بگیرند.

در این بحث مابه دنبال آن نبوده‌ایم که ویژگی ایده آل یک خانواده اسلامی را بیان کنیم بلکه به دنبال آن بوده‌ایم که ثابت کنیم که طلاق که بین زن و مرد صورت می‌گیرد تأثیر بسیار زیادی بر فرزندان که خوشه‌های آینده جامعه هستند می‌گذارد.

۲- بیان مسئله

از نظر جامعه شناسان یک پدیده زمانی به مسئله اجتماعی تبدیل می‌شود که بخش وسیعی از افراد جامعه را در بر بگیرد و اکثر افراد از آن رنج ببرند. امروزه طلاق، ناسازگاری، عدم رعایت هنجارهای اجتماعی، بزهکاری و خشونت جوانان، و... از جمله نگرانی‌های عمده‌ای است که در محافل مختلف مورد بحث قرار گرفته است که همایش‌های مختلف آسیب شناسی جوانان یا همایش‌هایی با موضوعات طلاق و خانواده از آن نمونه است. عدم سازگاری فرزندان با والدین، جدایی والدین از یکدیگر، پرخاشگری دانش‌آموزان، بزهکاری دانش‌آموزان و مهم‌ترین مبحث طلاق که تأثیر بسیار زیادی بر بخش‌های دیگر جامعه می‌گذارد نمونه‌هایی از مهم‌ترینمعضلات اجتماعی جامعه می‌باشند. طلاق به دلیل پس لرزه‌های زیادی که در جامعه دارد همواره کانون توجه بسیاری از دانشمندان اجتماعی و مسئولین بوده است. مهم‌ترین تأثیری که طلاق می‌گذارد طلاق بر فرزندان خود افراد جدا شده است.

۲-۱- ضرورت و اهمیت بررسی

انسان ذاتا موجودی اجتماعی می‌باشد و به طور حتم از بسیاری از وقایع تاثر می‌گیرد. یکی از این موارد بسیار مهم تاثر پذیری طلاق میباشد که تأثیر عمده‌ای بر فرزندان طلاق می‌گذارد به حدی که ممکن است آینده یک جوان از این رو به آن رو شود و حتی این جوان تأثیر عمده ی بر جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند بگذارد و این تاثر پذیری در دراز مدت ممکن است شیرازه نظام اجتماعی را بر هم زند. داشتن روابط سالم و بدون دغدغه بین والدین و فرزندان و ابراز محبت صحیح والدین به فرزندان کلید رشد و سعادت فرزندان می‌باشد. به طور قطع دانش‌آموزانی که از نظر ۵ بعد گفته شده دارای مشکل هستند در درون خانواده از کیفیت روابط خوبی برخوردار نیستند. لذا انجام چنین تحقیقی به طور حتم ضروری به نظر می‌رسد تا از طریق این تحقیق بتوانیم والدین و مسئولین را از پیامدهای این خطر بزرگ (طلاق) آگاه کنیم و به آن‌ها هشدار دهیم که نسل آینده ما به عنوان آباد کننده این جامعه در چه خطر برزگی قرار دارند.

www.takbook.com

۲-۲- چارچوب نظری و تحقیقات صورت گرفته

در ابتدا به منظور درک بهتر طلاق به تعریف آن و عوامل موثر بر طلاق در ایران به طور مختصر می‌پردازیم.

در حقیقت همانگونه که پیوند بین افراد طبق آیین و قراردادهای رسمی و اجتماعی برقرار می‌شود. چنانچه طرفین نتوانند به دلایل گوناگون شخصیتی، محیطی و اجتماعی و ... با یکدیگر زندگی کنند به ناچار طبق مقررات و ضوابطی از هم جدا می‌شوند.

شاخصه‌های اصلی رشدطلاق در ایران را می‌توان نداشتن شناخت کافی، دخالت خانواده ها، مشکلات جنسی در زندگی، خیانت، نبود تفاهم در زندگی اشاره کرد.

نظریه‌ها و تحقیقات در موضوع طلاق و تأثیرات آن صورت گرفته است که در این مقاله به طور مختصر آن‌ها را بیان می‌کنیم

در تحقیقی که توسط "جی هبر" (۱۹۹۰) صورت گرفت مشخص گردید ازدواج‌هایی که به طلاق منجر شده‌اند، کاهش شدیدی در اعتماد به نفس اعضای خانواده به وجود می‌آورد. چنین کمبودی می‌تواند ماهیتی اجتماعی، روانی یا جسمی باشد. کاهش اعتماد به نفس درنتیجه طلاق منشا مهم اختلالات اعضای خانواده در حین و بعد از طلاق می‌باشد.

در این تحقیق همچنین مشخص شد نه تنها طلاق سطح اعتماد اعضای خانواده را کاهش می‌دهد، بلکه باعث می‌گردد یکی از طرفین یا هر دو به طور قابل ملاحظه ای احساس پوچی کنند. این تحقیق مدلی را نشان می‌دهد که در آن افراد از هم جدا شده به علت کاهش اعتماد محتاج همیاری و کمک هستند. گذشته از این طلاق پدیده ای است که بر تمامی جوانب جمعیت یک جامعه اثر می‌گذارد، زیرا از طرفی بر کمیت جمعیت اثر می‌نهد، یعنی واحد مشروع و اساسی تولید مثل یعنی خانواده را از هم می‌پاشد، از طرف دیگر بر کیفیت جمعیت نیز اثر می‌گذارد، زیرا موجب می‌شود فرزندانی محروم از نعمت‌های خانواده تحویل جامعه گردند که احتمالاً فاقد سلامت کافی روانی در احراز مقام شهروندی یک جامعه‌اند. بنابراین آسیب اجتماعی ناشی از این اقدام نه تنها متوجه اعضای خانواده، بلکه متوجه کل جامعه و نسل آینده می‌باشد.

۲-۳- هنجارهای توافق نشده در جوامع ایران

در جامعه‌ی ایران، ریشه‌ی بسیاری از مسائل اجتماعی و ناهنجاریهای رفتاری، چه آنچه در سطوح فردی است و چه آنچه در رفتار گروه‌ها، جریان‌ها و اقشار اجتماعی می‌باشد ناشی از حالت عدم تعیین و سیال بودن و طیف گونگی نظام ارزش‌هاست. به همین دلیل، دامنه‌ی بسیاری از ناهنجاریها را بیش از آنکه هنجارشکنی بنامیم، باید هنجاریابی‌های توافق نشده نامید. منظور از هنجاریابی‌های توافق نشده این است که افراد بیش از آنکه هنجارشکنی کرده باشند، هنجارهای ویژهای را برگزیده و به نحوی هنجارمند عمل نموده‌اند، ولی این هنجارها مورد توافق و دارای بار معنایی یکسانی برای مخاطبان یا طرفهای تعاملات این کنشگران نبوده است و از منظر آن مخاطبان، این تصور ایجاد می‌شود که کنشگر هنجارشکنی کرده است. پارهای از این نارسایی‌ها از طریق فروپاشی حلقه‌ی به هم پیوسته‌ی یک مجموعه هنجارها، که به نحو مکمل کارکردهای ویژهای داشته‌اند، ایجاد شده و پارهای دیگر از جامعه پذیری ناموزون و تعارض مفهومی و معنایی ارزشها ناشی شده‌اند.[۱]

در هنگامه‌ی بحران ارزشها، ارزش‌های اساسی یک جامعه بر لذت طلبی، تمتع آنی، مصلحت گرایی فردی، سودگرایی، ماده گرایی و ابزارگرایی استوارند و انسان‌ها صرفاً به تمتع می‌اندیشند و مصالح خویشتن را در نظر می‌آورند و حتی، ارتباطات انسانی نیز از این شرایط تأثیر می‌پذیرند. روابط انسان‌ها از بعد معنوی تهی می‌شود و صرفاً در راه التذاذ آنی است. این نوع روابط، بسیار سست و آسیب پذیر و شکننده‌اند و به محض آنکه مصلحت دیگری روی نماید یا بر اثر مرور زمان یا عوامل دیگر، رابطه‌ها از درون تهی شده و به بهانه‌های مختلف می‌شکنند، در این شرایط روابط زوجیت نیز از این قاعده مستثنی نبوده و آمار طلاق روز به روز افزایش خواهد یافت.[۲]

---

۱ - حاضری، ۱۳۸۰، ص ۴۵ با تغییرات

۲ - ساروخانی، ۱۳۷۶، هفت

www.takbook.com

اودری کاهش پایبندی به ارزشهای مذهبی و دینی را در افزایش طلاق مؤثر میداند و به نقش دین به عنوان عاملی در راه جلوگیری از طلاق اشاره می‌کند. به نظر او افرادی که ایمان مذهبی دارند، کمتر به طلاق روی می‌آورند تا آنان که چنین ایمانی ندارند. با تضعیف ایمان و عدم پایبندی‌های مذهبی در اکثریت افراد و تغییر ارزش‌ها، میزان طلاق در جامعه افزایش می‌یابد.[۱]

۳- تئوری آنومی

از دیدگاه جامعه شناسان، آنومی به مفهوم فقدان اجماع در مورد اهداف اجتماعی، انتظارات جمعی و الگوی رفتار برای اعضای جامعه است. این حالت منجر به محو و غیبت تدریجی آتوریته و ضابطه‌ی اخلاقی می‌شود و جامعه کنترل اجتماعی خود را از دست می‌دهد. هنگامی که جامعه در حال گذار و دگرگونی است، بسیاری از انسان‌ها دچار سرگردانی میشوند و قواعد و ارزشهای جامعه، برای آن‌ها بی اهمیت و کم ارزش می‌شود. از سوی دیگر، ارزش‌های جدید و منطبق با شرایط نیز، هنوز در جامعه جا نیفتاده است. در واقع، جامعه دو ساخت دارد. در این جامعه برخی از ساخت کهن و برخی از ساخت نوین تبعیت می‌کنند.[۲]

از هم پاشیدگی هنجارها و آنومی، وضعیتی را ایجاد می‌کند که آرزوهای بی حد و حصر ایجاد می‌شود و از آنجا که طبعاً این آرزوهای بی حد نمی‌توانند ارضا شوند، درنتیجه وضعیت نارضایتی اجتماعی پدید می‌آید که در جریان اقدامات منفی اجتماعی نظیر طلاق، خودکشی و غیره ظاهر می‌شود، که از نظر آماری قابل سنجش است.[۳]

۴- نظریه کانگر (مشکلات اقتصادی)

به نظر کانگر، دوران‌های سخت اقتصادی در جامعه نتایج زیان باری بر خانواده‌ها دارد؛ از جمله‌ی آن‌ها، احتمال وقوع گسیختگی خانواده و بی سامانی آن است. محرومیت اقتصادی تعاملات مثبت زوجین را کاهش می‌دهد و آن‌ها را به سوی طلاق سوق می‌دهد. مشکلات اقتصادی در بین زوجینی که منافع خانوادگی آن‌ها برای بقای زندگی در سطح استاندارد مناسب نمی‌باشد، زندگی زناشویی آن‌ها را بی ثبات می‌کند و مردان در این خانواده‌ها، بیشتر تعامل منفی دارند.

کاهش درآمدها و تورم در ایران، موجب افزایش تنش‌ها و ستیز در داخل خانواده شده است و علیرغم آنکه هنوز نگرش منفی نسبت به طلاق در جامعه وجود دارد، اما میزان آن رو به افزایش است. طلاق، نتیجه‌ی جامع‌هایی است که هیچ رابطه‌ی نرمالی بین درآمد و هزینه برقرار نکرده است. از سویی، مانور تجمل در جامعه سر داده می‌شود و از سوی دیگر، برنامه‌ی تعدیل اقتصادی ارائه می‌شود که موجب شکاف بین مطالبات و امکانات گردیده و معضلات اقتصادی منجر به افزایش طلاق شده است.[۴]

---

۱ Udry. R. 1971.p.456

۲ - ساروخانی،، ۱۳۷۶ص ۱۲۸

۳ - رفیع پور، ۱۳۷۸، ص ۱۸

۴ - بابایی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۳

www.takbook.com

۲-۴- جوامع مورد بررسی در این تحقیق

مقیاس جامعه آماری مورد بررسی در این تحقیق در قالب مقیاس شهری می‌باشد و شهر مورد مطالعه شهر شیرازمی باشد و پرسشنامه ها، در بین مدارس دخترانه و پسرانه شهر شیراز در مقطع متوسطه دوم پخش شده است.

جدول (۱) مقیاس بررسی جامعه آماری

مقیاس بررسی	فراوانی	جنسیت	درصد
جامعه شهری	۲۰۰	۱۰۰دختر ۱۰۰ پسر	۱۰۰

متغیر مستقل و متغیرهای وابسته در این تحقیق

متغییر مستقل

از آنجائی که موضوع پژوهش، پیامدهای طلاق بر روی دانش‌آموزان بوده است طبیعی است که متغییر مستقل خود طلاق درنظر شده تا تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم بر ابعاد مشخص شده که در ادامه ذکر خواهد شد را پیدا کنیم.

متغییر وابسته

همان طور که قبلا هم گفته شده ما در این تحقیق از ۵ متغییر وابسته یا به عبارتی دیگر ۵ پیامد را برای متغییر مستقل (طلاق) در نظر گرفته‌ایم.

جدول (۲) متغیر وابسته

بعد	فراوانی	درصد فراوانی
پرخاشگری	۵	۱۸/۵۱
افسردگی	۷	۲۵/۹۲
افت تحصیلی	۵	۱۸/۵۱
رشد اجتماعی	۴	۱۴/۸۱
بزهکاری	۶	۲۲/۲۲

همان طور که در جدول بالا می‌بینید با «افسردگی» با نسبت حدود ۲۵/۹۲ رایج ترین متغییر در این پژوهش می‌باشد. پس از آن، متغییر «بزهکاری» با ۲۲/۲۲ و بعد از آن «پرخاشگری و رشد اجتماعی» با ۱۸/۵۱ درصدو بعد از ان «افت تحصیلی» با ۱۴/۸۱ در صد در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

قرار گرفتن هر یک از این موارد به عنوان متغییر وابسته که متغییر مستقل آن طلاق می‌باشد عموما دارای پستوانه نظریه‌ای و ادله اثباتی است که در ادامه به آن می‌پردازیم

معرفی خانواده

خانواده از دیدی یک نهاد حقوقی است که اعضای پدید آورنده آن بوسیله رشته زناشوئی، خون، یا فرزند خواندگی با یکدیگر پیوند می‌یابند و در یک مجموعه با هدفی مشترک و در زیر سقفی با هم زندگی می‌کنند. این مجموعه می‌تواند کوچک و محدود، شامل زن وشوهر یا شامل زن و شوهر و فرزندان یا شامل چند خانوار باشد. آن را مجموعه‌ای پویا از نظامات متعامل معرفی کرده‌اند که هر فرد نقش منحصر به فرد خود را ایفا می‌کند.[۱]

---

۱ - دکتر علی قائمی، ۱۳۸۱،ص ۳۴

www.takbook.com

اهمیت خانواده

خانواده را مهم‌ترین نهادی دانسته‌اند که جامعه خود را تغذیه کرده و در سلامت و عدم سلامت، شرافت و انحراف آن، در سازگاری و ناهنجاری آن، موثر است. رکن اساسی و طبیعی اجتماع است و دولت و ملت به حمایت آن نیازمندند.

خانواده نخستین مهد و مدرسه اصلی تربیت است، کارگاه الگو سازی است، زمینه ساز تحول و تکامل است، محیط رشد است. فرزند درس‌های اصلی و اساسی خود را از خانواده می‌گیرد و هر سازندگی یا اشتباهی که در آن واقع گردد در فرزند اثر می‌گذارد.[1]

خانواده عامل انتقال فرهنگ، تمدن، ادب و سنن است و اهمیت آن همیشگی است و برای دوام و بقای جامعه و تمدن و فرهنگ راهی جز آن وجود ندارد. از لحاظ واحد می‌یابیم که خانواده کوچک است ولی از لحاظ اهمیت بسیار مهم و بزرگ است، زیرا هسته اصلی و زیر ساز جامعه‌های بشری است.[2]

تأثیرات خانواده بر فرزند

خانواده دو تأثیر را بر فرزند دارد: وراثتی – محیطی

در بحث وراثتی کودکان وارث بسیاری از صفات و ویژگی هائی از والدین خویشند از جمله: اسکلت بندی بدن، مسائل مربوط به جنبه‌های هوشی و استعدادی، بیماری‌های جسمی و روحی.

درجنبه محیط می‌توان گفت فرزند به طور حتم و اجتاب ناپذیر تحت تأثیر محیط زندگی و فرهنگ و شیوه زندگی آن محیط و مکانی است که در آن زندگی می‌کند.طبیعی است که جسم و روح فرزند انساندر چنین محیطی شکل گیرد و نتواند از جبر محیط لااقل در کودکی رهائی یابد.

افراد یک خانواده ساخته و پرداخته عوامل محیطی و ارثی هستند و به همین دلیل شخصیت شان شدیدا تحت تأثیر این عوامل است تا حدی که میتوان گفت: کودک ائینه‌ای تمام نما از معجون و ترکیب شخصیت والدین است. شرایط عادی و یا بحرآن‌های خانوادگی مثل طلاق در او شدیدا اثر گذاردهو رشد آنان را تحت نفوذ قرار خواهد داد.[3]

خانواده و سازندگی

خانواده می‌تواند عامل سازندگی جسمی، روانی، عاطفی، ذهنی، و..... فرزند باشد یا ویرانی آن. می‌تواند شرافت و سلامتی ایجاد کند یا انحراف و اختلال.

خانواده در تهذیب اخلاق و جهت دادن افراد به سوی انسانیت و پرورش تکوین شخصیت آنان می‌تواند نقشی فوق العاده ایفا کندو خطوط اساسی و اصلی رفتار آن‌ها را پدید آورد.

اعتبار اخلاقی و تربیتی و فرهنگی خانواده در توانایی تربیت کودکان و پروراندن آن‌ها از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است و در صورت انجام وظیفه خانواده می‌تواند فرزندانی عاری از هرگونه مشکل و مفید برای جامعه را تربیت نماید.[4]

تأثیر نوع روابط درون خانواده بر رفتار فرزندان

نوع روابط پدر و مادر با یکدیگر و طرز رفتار و موضع‌گیری در قبال فزندان خودمی تواند از عوامل سعادت یا لغزش فرزندان به حساب بیاید. تحقیقات روان شناسان در مورد فرزندانی که نابهنجار شده بودند یا دچار افسردگی بودند نشان می‌داد که اکثر

---

۱ – دکتر علی قائمی، ۱۳۸۱، ص ۳۵.

۲ – همان

۳ – دکتر علی قائمی، ۱۳۸۱، ص ۳۷

۴ – دکتر علی قائمی، ۱۳۸۱، ص ۳۸

www.takbook.com

این مشکلات و عصبیت‌ها و پرخاشگری‌ها، عدم رغبت به تحصیل و افسردگی فرزندان به دلیل وجود خانواده از هم گسسته یا نابسامان است.[1]

عالمی اظهار داشته اغلب فرزندان به جای اینکه از اختلالات روانی رنج ببرند از زمینه‌های اجتماعی و جریاناتی که ریشه در جمع دارند رنج می‌برند.[2]

طلاق چیست؟

جریان فسخ یک قرارداد بین دو زوج را اصطلاحاً طلاق گویند. از آغاز پیدایش و ظهور انسان بر روی زمین همواره زن و مرد با هم تشکیل یک کانون را می‌دهند که در آن فرزندان رشد می‌کنند اما گاهی این کانون دچار اختلال می‌شود. متأسفانه اغلب فرزندان در این راه صدمه می‌بینندو حتی گاهی خود را مقصر و محکوم می‌بینند. طلاق نوعی پریشانی منحصر به فرد در زمینه تربیت کودکان به شمار می‌رود که متفاوت از فقدان والدین بر اثر مرگ، بیماری یا جدایی ناشی از مسافرت و یا کار است.

عوامل زمینه ساز طلاق

عوامل فرهنگی اجتماعی

اختلاف تحصیلات زوجین، تفاوت سطح فکری و آگاهی زوجین، انگیزه‌ی ازدواج، نوع همسرگزینی (عدم استقلال در انتخاب شریک زندگی)، نحوه‌ی آشنایی زوجین، شناخت کم نسبت به خصوصیات همسر قبل از ازدواج، شناخت ناکافی خانوادههای زوجین نسبت به یکدیگر، ضعف در آگاهی از نقش زوجین پیش از ازدواج، نظر مثبت خانواده‌ی فرد نسبت به طلاق، حمایت خانواده از طلاق فرد یا بی تفاوتی نسبت به طلاق فرد، تصور مثبت از پیامدهای طلاق، وجود طلاق در میان بستگان، برآورده نشدن انتظارات از نقش همسری، عدم مشورت مردان با زنان در امور زندگی، اختلاف درباره‌ی محل سکونت، وجود اختلافات عقیدتی و مذهبی، پایبند نبودن همسر به مسائل دینی، توجه بیش از حد همسر به فرزندان، تفاوت‌های قومیتی زوجین، زندانی بودن مرد، تفاوت با همسر در نحوه‌ی گذران اوقات فراغت، اختلاف در فرزندپروری، ازدواج تحمیلی، دخالت مستقیم و غیر مستقیم وابستگان و اطرافیان و دوستان در زندگی، سن پایین ازدواج، تفاوت سنی زیاد زوجین، تعداد فرزندان، سوءاستفاده از مواد و ارتکاب جرم، خشونت خانوادگی از عوامل فرهنگی و اجتماعی طلاق هستند که در تحقیقات مهدی خانی سروجانی (۱۳۸۳)، علی اسماعیلی(۱۳۷۴)، بهرامی (۱۳۸۶)، قطبی ودیگران (۱۳۸۳)، شعبانی (۱۳۸۲)، جعفر طباطبایی (۱۳۸۳) کریمی تهرانی (۱۳۵۸)، جلیلیان (۱۳۷۵) بررسی شده است. (کتاب‌اندیشه‌های راهبردی زن و خانواده، ۱۳۹۱، ص ۹۷۲)

عوامل روانشناختی

عوامل روانشناختی و فردی شامل عوامل ارثی و فیزیولوژیک، ویژگی‌های شخصیتی، روانی و مانند آن می‌باشد که از مهمترین این عوامل، میتوان به وجود اختلالات و ناهنجاری‌های روانی در خانواده و زندگی زناشویی، احساس تنفر و پایان عشق و علاقه‌ی طرفین به یکدیگر، ویژگی‌های روانی و عصبی غیر قابل تحمل، خلق بی ثبات، عصبی بودن همسر، دلواپسی مزمن و بدبینی مفرط همسر، احساس افسردگی، ترس مرضی، تصورات پارانوئیدی، روان پریشی، حساسیت‌های روحی، وسواس فکری و عملی، اضطراب، خصومت با یکدیگر، عدم علاقه، تفکر غیرمعمول و باورهای غیرمنطقی اشاره نمود که در تحقیقات جعفری (۱۳۸۶)، رستمی (۱۳۸۸)، خجسته مهر (۱۳۸۴)، یوسفی و همکاران (۱۳۸۹) مطرح شده است.[3]

---

۱ – دکتر علی قائمی، ۱۳۸۱، ص ۵۱، با تغییرات

۲ – همان

۳ – کتاب‌اندیشه‌های راهبردی، زن و خانواده، ۱۳۹۱، ص ۹۷۳

www.takbook.com

ویژگی‌های شخصیتی

هر چند بسیاری از تفاوت‌های شخصیتی طبیعی است و به تفاوت زیادی در رضایتمندی از رابطه منجر نمی‌شود، ولی دو مورد خاص وجود دارد که مشخص شده است تاثیر زیادی بر مشکلات ارتباطی و طلاق دارندو به نوعی این مشکلات را پیش بینی می‌کنند: یکی ناتوانی در تنظیم عواطف منفی)عصبی بودن (و دیگری سبک دلبستگی همراه با ناامنی. عامل شخصیت روان رنجورخویی و رضایت زناشویی با هم رابطه منفی دارند و در مقابل عوامل شخصیتی شامل برونگرایی، توافق و وجدانی بودن با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارند. سطح هیجان خواهی زن و شوهر صرف نظر از همسانی و ناهمسانی هیجان خواهی آن‌ها، سازگاری زناشویی را به طور منفی تحت تأثیر قرار می‌دهد. از آنجا که ازدواج قراردادی طولانی مدت است که با انعقاد آن محدودیت‌هایی برای افراد ایجاد می‌گردد، این محدودیت‌ها برای افراد هیجان خواه به راحتی قابل پذیرش نیست و لذا سازگاری و رضایت از ازدواج در این افراد کاهش می‌یابد.[1]

عوامل جنسی

وجود عادات جنسی ناپسند در مردان، انحرافات جنسی مرد، عدم تمکین زن، ضعف عملکرد جنسی، کوتاهی در انجام وظایف زناشویی، عقیم بودن مرد یا زن، اختلاف در سلایق جنسی، خیانت مرد به زن، خیانت زن به مرد، مراجعه به مشاورین مرد در امور جنسی، عدم آراستگی جنسی زن، تنوعطلبی جنسی مردان، مقایسه‌ی فعالیت جنسی همسر با زنان دیگر از طرق مختلف، عدم تفاهم جنسی زن و مرد، ناتوانی جنسی زن یا مرد، سردمزاجی جنسی زن یا مرد، ازدواج مجدد، چندزنی بودن مرد و وجود شخص ثالث، از جمله عوامل جنسی هستند که در تحقیقات فروتن و جدید میلانی (۱۳۸۷)، نیکبخت (۱۳۸۲)، داداش زاده فهیم (۱۳۸۶) بدآن‌ها اشاره شده است.[2]

حال که تعریف طلاق، آمار طلاق و عوامل مؤثر بر طلاق را فهمیدیم وارد مبحث اصلی این پژوهش یعنی تأثیر طلاق بر دانش‌آموزان در پنج بعد (افسردگی، پرخاشگری، افت تحصیلی، رشد اجتماعی، بزهکاری) می‌شویم.

تأثیر طلاق بر افسردگی دانش‌آموزان

طی دو دهه گذشته، افسردگی فرزندان طلاق مورد توجه فزاینده یی قرار گرفته است. طبق برآوردهای صورت گرفته، ۲/۵ تا ۴ درصد از کودکان به لحاظ بالینی افسرده هستند و این نکته که متوسط اختلال افسردگی فرزندان و نوجوانان ۷ الی ۹ ماه است، بسیار اهمیت دارد چرا که ممکن است افسردگی یک کودک در تمام طول سال تحصیلی بهبود نیابد و در یادگیری وی ایجاد اختلال کند. به طور کلی علائم هیجانی افسردگی در فرزندان به صورت غمگینی، کناره‌گیری یا انزوای اجتماعی، شکایت‌های جسمانی، کم اشتهایی یا پراشتهایی، بی اختیاری ادرار یا بی اختیاری مدفوع، بی میلی برای رفتن به مدرسه و کاهش عملکرد مدرسه بروز می‌یابد. در مورد علل افسردگی می‌توان گفت گاه ممکن است علت افسردگی به سادگی شناسایی شود، مثلاً هنگامی که والدین یک فرزند، طلاق می‌گیرند. یا ممکن است علت، کمتر آشکار باشد و تشخیص آن نیز دشوار باشد. ممکن است افسردگی برخی فرزندان واکنش به یک عامل استرس زای خاص نباشد بلکه افسردگی مزمن باشد که این افسردگی می‌تواند یک سال به طول انجامد. در اینجا آنچه بسیار حائز اهمیت است، این است که افسردگی می‌تواند تاثیر بسزایی بر نارسایی‌های یادگیری و عملکرد تحصیلی کودک داشته باشد و اغلب کودکان افسرده دوره‌های افت تحصیلی را تجربه می‌کنند. از سوی دیگر، نارسایی‌ها و اختلالات یادگیری که شامل نارسایی در زبان شفاهی، نارسایی در خواندن، نارسایی در نوشتن و نارسایی در ریاضی است نیز می‌تواند پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را تحت تاثیر قرار دهد و منجر به اختلال هیجانی چون افسردگی در دانش‌آموز شود. امروزه بسیاری از پژوهشگران دریافته‌اند که دانش‌آموزان مبتلا به نارسایی‌های یادگیری در

---

۱ – طلاق چالش‌ها و رویکردها، خیرالنساء رنجبر، ص ۱۶

۲ کتاب‌اندیشه‌های راهبردی، زن و خانواده، ۱۳۹۱، ص ۹۷۳

www.takbook.com

مقایسه با همکلاسی‌های خود، افسردگی بیشتری را تجربه می‌کنند. طبق تحقیقات به عمل آمده، کودکانی که برای درمان افسردگی به مراکز سلامت روانی ارجاع می‌شوند، به طور مشابهی در مقایسه با سایر فرزندان بدون افسردگی، دارای میزان بالاتری از ناتوانی‌های یادگیری هستند. در مورد علل وجود افسردگی در دانش‌آموزان مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری می‌توان گفت زمانی که این دانش‌آموزان قادر نیستند شکست‌های ناشی از نارسایی‌های یادگیری خود را تحمل کنند یا با این نارسایی‌ها سازگاری پیدا کنند، احساس درماندگی و ناامیدی می‌کنند مثلاً دانش‌آموزی که اطرافیان، وی را «تنبل» یا «کودن» می‌خوانند، نهایتاً ممکن است به خودانزجاری برسد و همین امر باعث افسردگی در وی شود. علاوه بر این، دیدگاه دیگران به فرزند مبتلا به ناتوانی یادگیری نیز می‌تواند بر شدت احساس شرمندگی و در نتیجه افسردگی دانش‌آموز بیفزاید. گاه ممکن است آموزگاران و همچنین مشاوران حمایتی با دانش‌آموز مبتلا به نارسایی یادگیری به گونه یی صحبت کنند که حاکی از ناتوانی او باشد یا گمان کنند نارسایی‌های فرزند توانایی انجام فعالیت‌های کلاسی همانند همسالانش را به وی نمی‌دهد. این گونه توجه منفی به نقاط ضعف دانش‌آموز می‌تواند بر دیدگاه سایر همکلاسی‌ها نیز اثر بگذارد که به نوبه خود منجر به انزوا یا طرد شدن بیشتر دانش‌آموز ناتوان می‌شود. به طور کلی دریافت خدمات خارج از کلاس به علت نارسایی‌های یادگیری، برچسب خوردن و شناسایی شدن به عنوان دانش‌آموزی متفاوت، از جمله عواملی هستند که احساس افسردگی و انزوای دانش‌آموز را افزایش می‌دهند. همچنین نوع نارسایی یادگیری نیز بر احتمال افسردگی تاثیر دارد. برای نمونه ممکن است نارسایی‌های اساسی زبان در ارتباط‌های اجتماعی مداخله کند که این امر مشکلاتی را در مهارت‌های اجتماعی موجب شده و اعتماد به نفس دانش‌آموز را به همراه خواهد داشت. اذیت و آزار همکلاسی‌ها از ویژگی‌های طبیعی دوران کودکی است.

داشتن یک تفاوت بارز با سایر کودکان مانند یک نارسایی یادگیری خود می‌تواند زمینه دائمی آزار و اذیت و تمسخر همکلاسی‌هایش را فراهم کند. روی هم رفته افسردگی نه تنها یک حالت عاطفی هیجانی مربوط به احساس غمگینی، ناکامی و کمبود انرژی است بلکه یک حالت شناختی است که الگوهای فکری آن به تداوم افسردگی می‌انجامد. به عنوان مثال احساس ناامیدی دانش‌آموز توسط افکاری همچون «هیچ کس مرا دوست ندارد» یا «من هرگز دوستی نخواهم داشت» تداوم می‌یابد. در نتیجه دانش‌آموز ممکن است از بقیه کناره گیری کند که این امر حالت انزوای وی را شدت می‌بخشد. گاه این احتمال وجود دارد که دانش‌آموز ناتوان در یادگیری در مورد خود استدلال نادرست به کار برد و مثلاً نتیجه گیری کند که «کودن» است، در نتیجه دست از تلاش برداشته و نمرات پایینی دریافت می‌کند که این امر به خودی خود دیدگاه دانش‌آموز ناتوان را تایید می‌کند و موجب افسردگی بیشتر در وی می‌شود. به طور کلی اغلب کودکان افسرده یی که دچار نارسایی یادگیری نیز هستند، در زمینه تحصیلی ادراک پایینی از خود دارند که همین ادراک ضعیف از خود پیشرفت تحصیلی آنان را کاهش می‌دهد. دانش‌آموزان افسرده مبتلا به نارسایی‌های یادگیری معمولاً بر پیشرفت‌های خود تمرکز نمی‌کنند یا خودشان را بر آنچه به درستی انجام می‌دهند «تکالیف درسی» تشویق نمی‌کنند که این موضوع نتیجتاً باعث می‌شود دانش‌آموز دارای نارسایی یادگیری از توانایی‌های خود ناامید شود.[1]

با توجه به مطالب بالا، طی پرسشنامه‌هایی که بین ۱۰۰ نفر از دختران و ۱۰۰ نفر از پسران دوره متوسطه که از فرزندان طلاق بوده‌اند پخش گردید و پاسخ‌هایی که داده شد، ما فهمیدیم که در بین دخترانحدود ۴۵ درصد آن‌ها در پاسخگویی به سوالات بخش افسردگی گزینه خیلی زیاد، ۳۰ در صد گزینه زیاد، ۲۰ درصد گزینه متوسط، ۴ درصد گزینه کم و ۱درصد گزینه خیلی کم را پاسخ داده‌اند. دربین پسران ۲۰درصد گزینه خیلی زیاد، ۱۰درصد گزینه زیاد، ۴۵ درصد گزینه متوسط، ۱۵درصد گزینه کم، ۵ درصد گزینه خیلی کم را پاسخ داده‌اند.

---

۱ - روزنامه اعتماد پنجشنبه ۳۰ مهر ۱۳۸۸

www.takbook.com

جدول (۳) سؤالات افسردگی

۶	بیشتر وقت‌ها از دلشوره و اضطراب رنج می‌برم
۷	حوصله هیچ کار و هیچ شخصی را ندارم
۸	همیشه احساس می‌کنم مریض هستم
۹	وزنم اخیرا کم شده است و هر روز اشتهایم کمتر می‌شود
۱۰	توان تمرکز ذهنی ام را از دست داده ام
۱۱	احساس نا امیدی می‌کنم
۱۲	کسی به فکر من نیست (در خانه و مدرسه)

طبق تفسیری که ما از این آمارها داشتیم فهمیدیم که تأثیر طلاق در بعد افسردگی بر جنس مؤنث بیشتر از جنس مذکر می‌باشد.

این اختلاف در بعد افسردگی به لحاظ فرهنگی و اجتماعی نیز به خاطر این است که زنان بیشتر از مردان می‌کوشند تا ارتباط خود را با دیگران توسعه دهند و حفظ کنند، اما در فرهنگی که به استقلال و خودکفایی بها می‌دهد، تمایل به دلبستگی نوعی ضعف تلقی می‌شود و همین امر، یعنی ناهماهنگی بین رفتارهای زنان و ارزش‌های فرهنگی منجر به کاهش عزت نفس و حس ارزشمندی در زنان می‌شود. در برخی موارد نیز این طور به نظر می‌رسد که زنان بیش از مردان علایم و شکایات خود را از افسردگی بیان می‌کنند و یا آنکه مردان در برابر مشکل افسردگی خود بیشتر مقاومت می‌کنند و راه حل‌های دیگری غیر از مراجعه به پزشک برای درمان خود برمی گزینند. به لحاظ محیطی نیز، زنان بیش از مردان در معرض انواع استرس‌ها و اضطراب‌هایی قرار می‌گیرند که تأثیر خود را بر سیستم عصبی آنان و هورمون‌های بدن شان می‌گذارد. تجربه‌های روزمره نیز می‌توانند همچون شوک‌ها و فشارهای عصبی مولد استرس باشند و موجب ابتلای افسردگی بیشتر در زنان- نسبت به مردان- شوند.

به همین دلایل دخترانی که به علت طلاق والدین افسرده می‌شوند، طول درمان و بهبود آن‌ها بسیار بیشتر از پسران می‌باشد.

البته ممکن است در بحث پاسخ به پرسش‌ها، پسران به دلیل غروری که دارند گزینه مناسبی که وضع روحی آن‌ها را نشان می‌دهد را انتخاب نکنند.

پرخاشگری

اما آمارهایی که دراین بعد به دست آمد تفاوت‌هایی با بعد قبلی (افسردگی) داشت.

دراین بین پسران ۵۰ درصد به گزینه خیلی زیاد، ۲۵درصد به گزینه زیاد، ۲۰درصد به گزینه متوسط و ۵ درصد به گزینه کم پاسخ دادند و گزینه خیلی کم را هیچ یک از جنس‌های مذکر علامت نداد.

اما در بین دختران همان طور که در بعد افسردگی انتظار داشتیم، دختران به دلیل منزوی شدن، آمار پرخاشگری کمی را به خود نسبت دادند. در این میان گزینه خیلی زیاد اصلا هیچ علامتی نخورده بود و گزینه زیاد ۱۰ درصد، گزینه متوسط ۲۵ درصد، گزینه کم ۴۰ درصد و گزینه خیلی کم ۲۵ درصد علامت خورده شده بود.

www.takbook.com

جدول (۴) سؤالات پرخاشگری

۱	برخی مسائل جریی و ناچیز مرا عصبی می‌کند
۲	نسبت به معلیمن تند خو شده ام
۳	وقتی به وقایع گذشته نظر می‌کنم بی اختیار رنجیده خاطر می‌شوم
۴	حتی وقتی عصبانیت خود را از دیگران مخفی می‌نمایم , مدتی طولانی درباره آن فکر می‌کنم
۵	از کارهای احمقانه دیگران عصبانی می‌شوم

ایجاد روحیه پرخاشگری و عصیان در نوجوانان که نتیجه محرومیت‌های مداوم از مهر و محبت پدری است. در این نوع بیماری چون نوجوان امکان مذاکره حضوری و مستقیم و متقابل با پدر و مادر خود را نمی‌یابد و از طرفی سؤال‌های خود را بی جواب می‌بیند، روحیه عصیان و پرخاشگری در او به وجود می‌آید. رفتارهای پرخاشگرانه در اعمال و گفتار نوجوانانی که خانواده‌های آنان از همدیگر جدا شده‌اند کاملاً مشهود است.

حسادت سوءظن و سماجت، در نوجوانان خانواده‌هایی که والدین آن‌ها از هم جدا شده‌اند این حساسیت‌ها دیده شده است. این گروه از نوجوانان در مقابل همراهان و همسالان خود حساسیت بیشتر و زیاده از حد نشان می‌دهند.

طلاق و مسائل روان شناختی که همراه با ان وارد زندگی می‌شوند، موجب میشوند تا کودک یک سری حالات غیر متعادل را از خود بروز دهد. سوء رفتار و بی انضباطی در خانه و محل تحصیل افزایش پیدا می‌کند. رفتارهای نامتعارفی که باید مراقب آن‌ها بود.

افت تحصیلی

طبق پاسخ‌هایی که در این بعد داده شد آمارهای به دست آمده به شرح زیر است:

در پسران حدود ۱۵ درصد به گزینه خیلی زیاد، ۴۰ درصد به گزینه زیاد، ۲۰ درصد به گزینه متوسط، ۱۰درصد به گزینه کم و ۱۵ درصد هم به گزینه کم پاسخ داده‌اند.

در دختران ۲۵ دردصد به گزینه خیلی زیاد، ۳۰ درصد به گزینه زیاد، ۱۵ درصد به گزینه متوسط ۱۰ درصد به گزینه کم و ۲۰ درصد به گزینه خیلی کم پاسخ داده‌اند.

جدول (۵) سؤالات افت تحصیلی

۱۳	انگیزه‌ای برای مطالعه ندارم
۱۴	تمایلی برای شرکت در سخنرانی هاو فعالیت‌های کلاسی ندارم
۱۵	رفتن به مدرسه برایم بیهوده است
۱۶	برخلاف گذشته، مطالعه کردن برایم جالب نیست
۱۷	در انجام کارها و تکالیف خود اعتماد به نفس نشان می‌دهم

پایان یافتن زندگی زناشویی، آغاز شروع مشکلات اجتماعی فرزندان بوده ودر صورت بی توجهی والدین به فرزندان، آن‌ها در برابر عوامل محیطی آسیب‌پذیر تر خواهند شد. جدید ترین پژوهش‌ها نشان می‌دهند، فرزندان در ۲ سال نخست پس از جدایی، آسیب پذیر تر بوده و معضلات اجتماعی، روان و جسم آن‌ها را بیشتر تحت تأثیر مخرب خود قرار می‌دهد.

www.takbook.com

پژوهشگران کاهش تمرکز ذهنی فرزندان، و افزایش احتمال ابتلا به اختلال یادگیری به ویژه در دروسی که نیازمند تفکر و استدلال است را از تبعات منفی جدایی والدین می‌دانند.

آمارها نشان می‌دهد افت تحصیلی، به ویژه در دروس استدلالی، اختلال در برقراری تعاملات اجتماعی و عاطفی و افزایشاحتمال ابتلا به مشکلاتیمانند اضطراب و افسردگیتا ۲ سال پس از جدایی پدرو مادر بیش از هر زمانی سلامت ذهنی و روانی فرزندان را تهدید می‌کند. به عقیده محققان، جدال‌های زن و شوهری و مشکلات خانوادگی به طور چشمگیری بر روند یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و مهارت‌های اجتماعی آن‌ها تأثیر نمی‌گذارد، اما به محضجدایی والدین، کودکان تحت تأثیر آسیب‌های طلاق قرار گرفتهو تا ۲ سال پس از جدایی، تأثیرات این پیامدهای منفی قابل توجه خواهد بود. روانشناسان معتقدند، در صورتی که والدین تصمیم به جدایی دارند، باید تبعات این تغییر را در زندگی فرزندان شان مورد توجه قرار داده و آن‌ها را برای پذیرش چنین تغییراتی آماده کنند.

تحقیقی که روی ۴۰۰۰ کودک پیش دبستانی و دبستانی انجام گرفت نشان داد آن گروه از کودکانی که تجربه جدایی والدین‌شان را در سال‌های اول دارند بیشتر تحت تأثیر آسیب‌های محیطی قرار گرفته و اختلال یادگیری در آن‌ها بیشتر مشاهده می‌شود.[۱]

رشد اجتماعی

در بعد رشد اجتماعی آمارهای ذیل به دست آمد که به شرح ذیل است:

در پسران به گزینه خیلی زیاد ۱۵ درصد، گزینه زیاد ۳۰ درصد، گزینه متوسط ۳۰ درصد، گزینه متوسط ۱۵ درصد، گزینه کم ۱۰ درصد و گزینه خیلی کم علامتی زده نشده ود.

در دختران، گزینه خیلی زیاد ۵ درصد، گزینه زیاد ۱۵ درصد، گزینه متوسط ۴۰ درصد، گزینه کم ۳۰ درصد و گزینه خیلی کم ۱۰ درصد علامت زده شده است.

جدول (۶) سؤالات رشد اجتماعی

۱۸	در مقایسه با همکلاسان خود توان رهبری دانش‌آموزان را دارم
۱۹	از شایستگی خود در کارهای اجتماعی تصور مثبتی دارم
۲۰	میزان فعالیت شما در مراسمات مدرسه مثل جشن‌ها و... چه قدر است؟
۲۱	هنگامی که برای دوستان یا همکلاسان حادثه یا مشکلی پیش می‌آید ابراز همدردی می‌کنم

طی تحقیقاتی که در سرتاسر جهان به ویژه در ایران صورت گرفته است مشخص شده است که فرزندانی که خانواده از هم گسیخته دارند به طور معنا داری از فرزندانی که خانواده منسجم دارند در سطح اجتماعی پایین‌تری قراردارند. به طور مثال تحقیقاتی که خانم فهیمه شریعت در سال ۱۳۶۶ و علی اکبری قمصری در این زمینه کرده‌اند قابل توجه می‌باشد.

مسئله رشد اجتماعی انسان از ۳ دیدگاه متفاوت زیست شناختی، روانشناختی و جامعه شناختی که به ترتیب ناظر بر ابعاد سه گانه زیستی، روانی، اجتماعی حیات انسانی است بررسی شده است. نظریه زیست شناسی به ساخت جسمانی و ویژگی‌های ژنتیکی افراد و رابطه آن بر رشد اجتماعی می‌پردازند. نظریه‌های روان شناسی می‌کوشند تا تأثیر ویژگی‌های شخصیتی و روانی افراد که از فردی به فرد دیگری متفاوت است را در رشد اجتماعی بررسی کنند و بالاخره اینکه نظریه‌های جامعه شناسی، نقش عوامل محیطی و اجتماعی نظر دارند و بر خلاف دو دیگاه دیگر معتقدند که این محیط است که رشد اجتماعی افراد را تحت

۱ – روزنامه ایران زندگی، سال هفدهم، شماره ۴۸۱۷

www.takbook.com

تأثیر قرار می‌دهند نه ویژگی جسمانی و شخصیتی افراد. این دسته از نظریه‌ها (جامعه شناسانه) به نقش و تأثیرات خانواده، مدرسه، همسالان و هم بازی ها، رسانه‌های جمعی و دیگر نهادهای اجتماعی می‌پردازند.[1]

روزن باوم معتقد است که اجتماعی شدن کودک قبل از هر چیزی توسط خانواده صورت گرفته و در واقع اجتماعی شدن افراد توسط خانواده را تداوم بخش نظام اجتماعی دانسته است.[2]

گود بر این عقیده است که انسان باید مهارت‌های اجتماعیو آداب ویژه‌ای را یاد بگیرد و خانواده وظیفه دارد آنچه را که جامعه از نسل جوان تر تقاضا می‌کند، به کودک یاد دهد و آنچه والدین تلاش می‌کنند به فرزندان خود یاد دهند، همان چیزی است که جامعه آن هارا برای رفتار یک فرد بزرگسال در آینده کافی می‌داند.[3]

خانواده اولین و مهم‌ترین نقش را در رشد شخصیت و اجتماعی شدن کودک بر عهده دارد. اولین تماس و ارتباط کودک با محیط از طریق پدر و مادر، خواهران و برادران است و تقلید از رفتارهای آنان شیوه زندگی او را مشخص می‌سازد. چنان چه رفتار افراد خانواده در محیط خانواده متکی بر محبت و احترام متقابل باشد، فرزندان در محیطی با امنیت و آرامش رشد می‌یابند و باعث تقویت اعتماد به نفس و رشد اجتماعی فرزندان می‌شوند.[4]

با توجه به مطال گفته شده، خانواده مهم‌ترین رشد برای رشد اجتماعی کودکان می‌باشد. پس اولین کانونی که فرد باید در آن رشد کند و خو بگیرد خانواده است. اگر محیط خانواده بر پایه احترام و محبت متقابل بین والدین باشد فرزندانی که در آن محیط رشد می‌کنند از نظر سطح اجتماعی و معاشرت در بهترین سطح قرار می‌گیرند اما اگر محیط خانواده بنا بر ناسازگاری باشد و یا خانواده از هم گسیخته باشد کودک به دلیل اینکه از یک منبع محبت دور شده است و فردی با اصالت برای تقلید کارهای خود ندارد دچار کمبود رشد اجتماعی می‌شود.

بزهکاری

آمارهایی که از پاسخگویی دانش‌آموزان در بعد بزهکاری به دست آمد به شرح زیر است:

نکته: باید توجه داشت که سوالات این بخش به صورت نظر سنجی بوده است، یعنی ما به دلیل حسایت بالا در این زمینه، سوالات را به صورت سوال در آورده‌ایم که نظر فرزندان محصل طلاق را در این زمینه بفهمیم

جدول (۷) سؤالات بزهکاری

۲۲	به نظر شما میزان مصرف دخانیات در دوره متوسطه دوم در چه حدی است؟
۲۳	به نظر شما چه میزان از افرادی در دوره متوسطه دوم از خانه گریزان هستند به موفقیت دست می‌یابند؟
۲۴	به نظر شما برداشتن اجسام دیگران بدون اجازه دیگران باعث مقبولیت فرد بین دوستان می‌شود؟
۲۵	بررسی رابطه جنسی با پیشرفت تحصیلی چه میزان است؟
۲۶	تا چه حد فردی که حقش غصب شده حق دارد خود برای احیای حقش تلاش کند و مراجعه‌ای به قانون نداشته باشد؟
۲۷	محبت والدین به فرزندان باعث جلوگیری از بزهکاری می‌شود

همان طور که می‌بینند سوالات این بعد به صورت سوال و نظر سنجی می‌باشد و در صد هر سوال به تنهایی ۱۰۰ می‌باشد.

---

۱ – مقاله بررسی تاثیر خانواده بر رشد اجتماعی دانش‌آموزان استان کرمانشاه، امین زارعی و کاظم حسنی، ص ۷

۲ – روزن باوم، ۱۳۷۰

۳ – گود، ۱۹۹۰

۴ – شفیع آبادی، ۱۳۷۳، با تغییرات

www.takbook.com

جدول (۸) پاسخگویی جامعه آماری به سؤالات

به نظر شما میزان مصرف دخانیات در دوره متوسطه دوم در چه حدی است؟	درصد پسران	درصد دختران
	۳۰ درصد	۵

به نظر شما چه میزان از افرادی در دوره متوسطه دوم از خانه گریزان هستند به موفقیت دست می‌یابند؟	در صد پسران	درصد دختران
	۱۵	۰

به نظر شما برداشتن اجسام دیگران بدون اجازه دیگران باعث مقبولیت فرد بین دوستان می‌شود؟	درصدپسران	درصد دختران
	۱۰	۰

بررسی رابطه جنسی با پیشرفت تحصیلی چه میزان است؟	درصد پسران	درصددختران
	۰	۰

تا چه فردی که حقش غصب شده حق دارد خود برای احیای حقش تلاش کند و مراجعه‌ای به قانون نداشته باشد؟	درصد پسران	درصد دختران
	۳۰	۱۰

محبت والدین به فرزندان باعث جلوگیری از بزهکاری می‌شود	درصد پسران	درصد دختران
	۷۰ درصد جواب مثبت ۳۰ درصد جواب منفی	۹۰ درصد جواب مثبت ۱۰ درصد جواب منفی

باید توجه کرد که طلاق و گسستگی خانواده تاثیری مستقیم و قطعی در بروز رفتار بزهکارانه در جوانان دارد.[۱]بولبی معتقد است جدایی از والدین به خصوص مادر که موجب ناتوانی در برقراری رابطه‌ی عاطفی سالم و صحیح به هنگام بلوغ می‌شود. هویر نشان داده است که نزدیک به۹۰ درصد از جوانان بزهکاران، منحرف و یا مجرم از خانواده‌هایی هستند که طلاق باعث شده است تا شیرازه زندگی آنان از هم گسیخته شده و سایه شوم خود را بر سایبان زندگی جوانان طلاق افکنده است.[۲]

از جمله مهم‌ترین کاربردهای نظریه‌ها جهت بررسی زمینه‌های رشد و توسعه، مهار بزه دیدگی بالاخص در نظام خانواده است. چرا که خانه جایی است که زندگی در آن آغاز می‌گردد و بعنوان روابط نامطلوب و همبستگی‌های خانوادگی اثرات مخربی روی جوانان می‌گذارد و یا بر اثر اعتیاد و یا طلاق و عوامل دیگر نابسامانیهای زیادی به چشم می‌خورد که در این مورد متخصصان علوم اجتماعی معتقدند برای ایمن سازی افراد جامعه و تقلیل آسیب‌های اجتماعی باید به بررسی علت‌ها و عامل‌هایی پرداخت که تحت تاثیر آن علت‌ها، افرادی زمینه سوء استفاده و تحمل و پذیرش بزه را پیدا می‌کنند که باید راهکارهایی برای اصلاح آن ارائه کرد.[۳]

---

۱ – فدایی۳۶:۱۳۶۸

۲ – روانپزشکی۹۷:۱۳۶۳

۳ – افسری۱۲:۱۳۷۵

www.takbook.com

تئوری فرزندان طلاق جودیت والرستین و جون کلی، به این مطلب اشاره داردکه « جدایی والدین از همدیگر در گرایش فرزندان به بزهکاری موثر می‌باشد.» و کودکان پس از جدایی پدر و مادر در اغلب موارد دچار اضطراب عاطفی آشکار شده و از آن رنج می‌برند. این نظریه پردازان همچنین می‌گویند کودکانی که تجربه طلاق در زندگی خود را می‌بینند دچار اضطراب و فرار از خانه می‌شوند و در نتیجه به ورطه ی انحرافات و بزهکاری‌های مختلف می‌افتند. بدون تردید بعضی از منحرفان جوان به خانواده‌هایی تعلق دارند که دچار مشکلات خانوادگی هستند.[1]

وجود مسائلی چون متارکه، جدایی و طلاق که باعث می‌شود کودک نزد مراقبین مختلف دست به دست بگردند. لاقیدی‌های والدین نسبت به زندگی و فرزندان و سر و سامان زندگی کیفیت روابط زوجین و والدین بر اساس تضاد و یا هماهنگی بر بزهکاری جوانان تاثیر دارد.[2]

راهکارهای اجرایی

ساماندهی نظام ثبت ازدواج و طلاق خاصه در مناطق محروم حاشیه‌ای کشور که خرده فرهنگ‌ها حاکم می‌باشند؛

ایجاد و گسترش مراکز مشاوره و مداخله در بحرآن‌ها و اختلافات خانوادگی؛

کاهش و کنترل آسیب‌های اجتماعی تهدیدکننده نهاد خانواده خاصه اعتیاد، بیکاری، فقر، خشونت و... در سطح جامعه؛

توانمندسازی اقتصادی خانواده‌ها به منظور کاهش فشارهای اقتصادی حاکم؛

کنترل مهاجرت بی رویه از مناطق روستایی و شهرهای کوچک به کلان شهرها؛

توانمندسازی و ایجاد فرصت‌های اشتغال و گسترش حمایت‌های بیمه‌ای از زنان به منظور کاهش تبعات سوء طلاق.

نتیجه گیری

بررسی شرایط علی طلاق نشان می‌دهد که طلاق پدیده‌ای تک عاملی نیست، بلکه مجموعه‌ای از عوامل در پیوند با هم منجر به طلاق می‌شوند. میزان تأثیر هر عامل در طلاق بر عامل دیگر بیشتر است و نکته دیگر این که تعداد عوامل مهم نیست بلکه به شدت هر عامل بستگی دارد.

با توجه به روشن سازی تبعات منفی طلاق بر فرزندان، لازم است که خانواده‌ها چشم‌های خود را باز کنند و نسبت به این خطر بزرگ طلاق که دامن سوز هر دوطرف قظیه (والدین و فرزندان) خواهد شد توجه بیشتری کنند و قبلا از طلاق تمام راهکارهای لازم را بسنجند. جهت بهبود شاخص‌های طلاق در جامعه عوامل و راهکارهای متعددی وجود دارند که بسته به هر منطقه می‌بایست مورد مطالعه و پایش قرار گیرند و راهکارهای اصلاحی تعیین و اجرایی گردند.

---

۱ – کی نیا، ۱۳۷۳، ۴۹۵

۲ – قائمی، ۱۳۷۰، ۱۴۴

www.takbook.com

منابع

۱. باستانی، سوسن، **طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی، بررسی مسائل اجتماعی ایران**، پاییز ۱۳۸۹ - شماره۳

۲. دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی، **اندیشه‌های راهبردی، زن و خانواده**، پیام عدالت، ۱۳۹۱، صص ۹۶۲ تا ۹۸۳

۳. دلاوری، محمد، **آثار طلاق بر فرزندان**، مجله دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرندیه، ۱۳۹۱

۴. رنجبر، خیرالنساء ، **مقاله طلاق چالش‌ها و رویکردها**، ص ۱۶

۵. زادشیر، فرزانه، **فصلنامه روان شناسی کاربردی**، شماره ۳ تابستان، ۱۳۸۸، صص ۲۵-۴۷

۶. زارعی، امین، **بررسی تأثیر خانواده بر رشد اجتماعی فرزندان در کرمانشاه**، موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان

۷. ساروخانی، دکتر باقر، **طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن**، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶

۸. فرجاد، محمدحسین، **مسائل اجتماعی ایران (فساد اداری، اعتیاد، طلاق)**، تهران، ۱۳۷۷، انتشارات اساطیر

۹. قائمی امیری، علی، **کودک و خانواده نابسامان**، نشرانجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۹۰

۱۰. قربانی، احمد، **سرنوشتی بدتر از یتیمی برای کودکان**، ۱۳۹۳

۱۱. کلانتری، عبدالحسین و همکاران، **زن در توسعه و سیاست**، دوره ۹، شماره ۳، ۱۳۹۰، صص ۱۳۱-۱۱۱

۱۲. گیدنز، آنتونی، **جامعه شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، ۱۳۷۳، ص ۴۳۴

۱۳. مجله الکترونیکی ویستا (۱۳۸۹)، **بخش خانه و خانواده، طلاق**، شماره نهم

۱۴. نصیری، کتایون، **روزنامه ایران، شماره ۴۸۱۷**، سال هفدهم، ۱۳۹۰، ص ۱۸

۱۵. هاشمی، سید عامر، **چرا طلاق**، ویرایش سوم اردیبهشت ۱۳۹۴